



فصلنامه علمی زبان و ادبیات فارسی

سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۸

[www.qpjjournal.ir](http://www.qpjjournal.ir)

ISSN : 2645-6478

## تحلیل بازتاب دیدگاه و سبک فکری ناصر خسرو در کاربرد فعل

فاطمه شیخ باقرمهاجر<sup>۱</sup>

دکتر علی صباغی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت : ۱۳۹۷/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی : ۱۳۹۷/۱۲/۲۵

### چکیده

ناصر خسرو از جمله شاعرانی است که به سبب نگاه ویژه و ایدئولوژی متفاوتش همواره مورد توجه دوستداران شعر کلاسیک فارسی بوده است. نگارندگان بر این باور هستند که آشنایی با نگرش ناصر خسرو و شناخت جهان شعری او از دریچه تحلیل زبانی آثار وی میسر است، از این رو در این گفتار به تحلیل دستوری - سبکی افعال سی قصیده آغازین دیوان ناصر خسرو پرداخته‌اند. پرسش‌هایی که این مقاله در صدد پاسخ دادن بدان‌هاست عبارت است از: افعال به کار رفته در قصاید ناصر خسرو دارای چه ویژگی‌های دستوری است؛ بسامد ویژگی‌های افعال در قصاید ناصر خسرو چه ارتباطی با دیدگاه و سبک وی دارد و تکرار این ویژگی‌ها نشان‌دهنده چیست. برای پاسخگویی به این پرسش‌ها افعال سی قصیده نخست دیوان ناصر خسرو استخراج و ویژگی‌های دستوری آن‌ها توصیف شد؛ سپس اطلاعات به دست آمده به شیوه توصیفی - تحلیلی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد بیشترین شخص به کار رفته در افعال قصاید، دوم شخص مفرد است که برخاسته از ماهیت تبلیغی شعر ناصر خسرو است. از نظر زمان، پرتکرارترین افعال فعل‌های زمان مضارع اخباری است که پیوند مستقیم شاعر با موضوع کلام را نشان می‌دهد. وجه غالب افعال قصاید، اخباری با صدای دستوری فعال است که برخاسته از ماهیت تبلیغی و متعهد شعر ناصر خسرو است.

واژگان کلیدی: قصاید ناصر خسرو، سبک‌شناسی نحوی، تحلیل زبانی، نحو، فعل.

۱. مقدمه

<sup>۱</sup>. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی // [fatemeh.sbm@gmail.com](mailto:fatemeh.sbm@gmail.com)

<sup>۲</sup>. دانشیار دانشگاه اراک // [a-sabaghi@araku.ac.ir](mailto:a-sabaghi@araku.ac.ir)



ناصر خسرو قبادیانی ملقب به حجت (۳۹۴ - ۴۸۱ ق.) از شاعران نام‌آشنای سبک خراسانی و یکی از داعیان اسماعیلی در روزگار خلیفه فاطمی، المستنصر بالله (۴۸۷-۴۲۷ هـ ق.) است. شعر او به دلیل تحول روحی‌اش و در پی آن گرایش به کیش اسماعیلی با سایر معاصرانش متفاوت است. او از معدود شاعرانی است که شعر را تنها برای زیبایی آن نمی‌سراید و بیشتر از آن به‌عنوان ابزاری تبلیغی برای مذهبش سود می‌جوید در نتیجه هرچه می‌گوید همان است که بدان اعتقاد دارد، (صفا، ۱۳۶۹: ۴۵۵) همین نگرش ناصر خسرو به شعر متعهد، تبلیغی و تعلیمی بودن گزاره‌های او که ناشی از محور ایدئولوژیک شعر اوست سبب شده است تا وی از نظر سبکی فردیت داشته باشد. «وی شعر را همچون وسیله‌ای جهت تبلیغ عقاید مذهبی به کار گرفت و سعی کرد با سخن مخالفان را محکوم و گمراهان را هدایت کند. ازین روست که شعر او غالباً به‌صورت مجموعه‌ای از ادله عقلی و مباحث مذهبی درآمده است» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۴۱).

در پژوهش‌های پرشماری که درباره احوال و آثار ناصر خسرو منتشر شده است محور اندیشگانی و اعتقادی آثار او بیش از هر چیز دیگری مورد توجه محققان بوده است و بازتاب ایدئولوژی اسماعیلی در محور فکری و زبانی شعر ناصر خسرو بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ چراکه زبان و اندیشه پیوندی تنگاتنگ و دوسویه با یکدیگر دارند. پژوهشگران پیوند میان سبک و اندیشه را به دو گونه تزئینی و ارگانیک تقسیم کرده، معتقدند: در دیدگاه تزئینی معانی نخست بر زبان می‌آید سپس با سبک، آراسته می‌شود؛ اما در دیدگاه ارگانیک اندیشه و سبک باهم متقارن و توأمان هستند بر اساس دیدگاه اخیر ساخت زبان، ساخت اندیشه را شکل می‌دهد؛ یعنی مثلاً نحوه ترکیب اجزای جمله‌ها و نوع روابط آن‌ها با یکدیگر در شکل‌گیری معانی نقش عمده‌ای دارند. (Tufte, 1971: 4) به نقل از فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۸) در دیدگاه دوم بررسی‌های زبانی در زمینه سبک‌شناسی اولویت دارد زیرا «اصولاً در آفرینش ادبی، همه چیز از ابتدا بر اساس انتخاب یک مورد از میان تعداد کثیری موارد دیگر صورت می‌گیرد و آنچه سبک نویسنده و شاعر را تعیین می‌کند، مجموعه‌ای از انتخاب‌های کلی و گزینش‌های دقیق است که او - آگاهانه یا ناخودآگاه - در مراحل مختلف کار خود انجام داده است.» (امینی، ۱۳۸۸: ۲۵)

از آنجاکه وابستگی به یک ایدئولوژی خاص و دیدگاه‌های پنهان گوینده تا حد زیادی در رمزگان مسلط بر متن و به‌ویژه در نحو آن نمود می‌یابد، درباره ناصر خسرو نیز به نظر می‌رسد که زبان او به‌تمامی تحت سلطه اندیشه او است و شاید همین عامل است که زبان و سبک او را در میان معاصرانش نشان‌دار می‌سازد و از دیگر شاعران متمایز می‌کند. این مسئله در شعر ناصر خسرو به دلایلی تقویت شده است: نخست اینکه شعر ناصر خسرو تبلیغی است و شاعر نهایت دقت نظر را برای انتخاب اسلوب زبان خود با هدف تأثیرگذاری کلام برگزیده است. دوم اینکه شعر ناصر خسرو کوششی است نه جوششی و برخاسته از الهامات شاعرانه (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۹۹)؛ بنابراین عمده انتخاب‌های زبانی او آگاهانه رخ داده است. یکی از محورهایی که این انتخاب‌ها در آن بروز می‌کند، نحو جملات است. به همین دلیل پرداختن به چگونگی بازتاب اندیشه در نحو شعر ناصر خسرو برای شناخت بهتر جهان شعری او امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد؛ اما با وجود منابع تحقیقی فراوان درباره شعر ناصر خسرو و پژوهش‌هایی مرتبط با این



گفتار، نویسندگان به مقاله‌ای که موضوع حاضر را بررسی کرده باشد دست نیافتند. بنابراین درصدد برآمدند برای پاسخگویی به پرسش‌های: الف - افعال به‌کاررفته در قصاید ناصر خسرو دارای چه ویژگی‌هایی است؛ ب - بسامد این ویژگی‌های چه ارتباطی با دیدگاه و سبک شاعر دارد و تکرار این ویژگی‌های نشان دهنده چیست؟ افعال سی قصیده نخست از دیوان ناصر خسرو به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق (۱۳۶۷) را به شیوه استقرایی استخراج و اطلاعات به‌دست‌آمده را به روش توصیفی - تحلیلی بررسی و تحلیل نمایند. در این گفتار برای پرهیز از تکرار، به شماره قصیده (ق) و صفحه دیوان (ص) ناصر خسرو معرفی شده در سطر بالا ارجاع داده خواهد شد.

## ۲. پیشینه تحقیق

درباره ناصر خسرو و آثارش کتاب‌ها، رساله‌ها و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده است که برخی از آن‌ها در *یادنامه ناصر خسرو* (۱۳۵۵) به کوشش مهدی محقق و *کتابشناسی جامع حکیم ناصر خسرو قبادیانی* (۱۳۸۴) تهیه و تنظیم لیلی آجرلو معرفی شده است. در بیشتر منابع تحقیقی درباره شعر ناصر خسرو به بلاغت، اندیشه و یا تحلیل محتوایی پرداخته شده است. از جمله پژوهش‌هایی که به موضوع این گفتار نزدیک است می‌توان موارد زیر را برشمرد: پایان‌نامه‌های «نوآوری‌های ناصر خسرو در حوزه زبان و تخیل» (۱۳۹۰) از عظیم امینی که در بخش زبانی آن بیشتر به برجسته‌سازی، هنجارگریزی و چگونگی واژه‌سازی پرداخته شده است و نحو و ساخت نحوی مورد توجه نبوده است؛ «تأثیر غربت بر زبان و اشعار دیوان ناصر خسرو» (۱۳۸۶) نوشته حمیده دهقان بیشتر به سطوح آوایی و موسیقایی پرداخته شده است و اشاره اندکی به لغت و نحو دارد؛ «بررسی ساختمان فعل در اشعار ناصر خسرو با تأکید بر دستور زبان وحیدیان کامیار، حسن انوری و حسن گیوی» (۱۳۹۶) نوشته سید عزیز حسینی که در آن افعال بر اساس ساختمان به سه نوع ساده، پیشوندی و مرکب تقسیم شده‌اند و در اشعار کتاب *سی قصیده / از حکیم ناصر خسرو* به کوشش مهدی محقق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از میان ویژگی‌های فعل تنها به ویژگی زمان در این پژوهش پرداخته شده است. از جمله مقالات هم می‌توان مقاله‌های «ملاحظات در باب سبک شعر ناصر خسرو» (۱۳۹۴) از محمد غلامرضایی که در آن به واژگان قافیه و وزنه‌های عروضی و چگونگی کاربرد افعال پرداخته شده است و نیز واژگان از حیث معنایی دسته‌بندی شده است؛ «رمزگان و وجه: دو عامل متمایزکننده بر سبک‌شناسی گفتمانی قصاید ناصر خسرو» (۱۳۹۵) از فهیمه خراسانی و دیگران که به ۲۴ قصیده از دیوان ناصر خسرو پرداخته شده است و وجه افعال در سه دسته اخباری، امری و پرسشی آورده شده است که با تقسیم‌بندی وجه افعال در این پژوهش متفاوت است؛ «بازتاب دیدگاه شاعر در نحو منظومه ویس و رامین» (۱۳۹۳) از مسعود فروزنده و امین بنی طالبی که در آن وجهیت در فعل، قید و صفت و نیز مقوله زمان در مثنوی ویس و رامین مورد بررسی قرار گرفته و مبنای نظری پژوهش همچون پژوهش حاضر کتاب *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها* از محمود فتوحی (۱۳۹۲) بوده است.

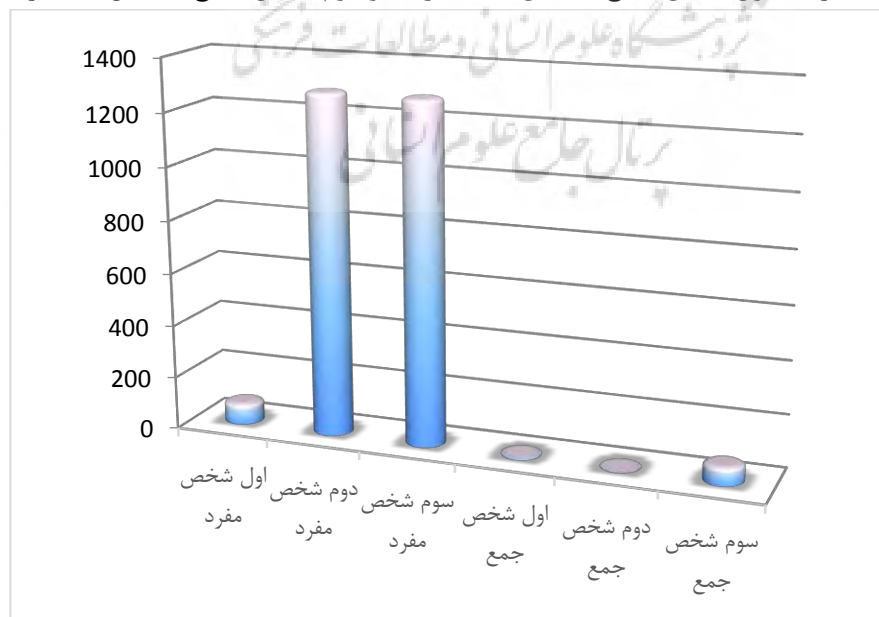


### ۳. بحث

فعل اصلی‌ترین رکن جمله است که در بخش گزاره هر جمله می‌آید و ویژگی‌هایی مانند شخص، شمار، زمان، وجه، جهت و صدای دستوری و... در آن نمود می‌یابد. با تکیه بر این ویژگی‌ها و بسامد هر کدام از آن‌ها در محور نحوی یک اثر، می‌توان تا حدی به به دیدگاه مؤلف و نوع نگاه او به مسائل مختلف نزدیک شد. از آنجاکه فعل نقشی تعیین‌کننده در ساختار جمله دارد و زمینه‌ساز حضور سایر ارکان جمله در محور هم‌نشینی است، می‌تواند پیوند میان شاعر با رخدادی که در گزاره بیان شده است و نیز ارتباط شاعر با مخاطب و میزان ابهام یا وضوح متن را بیش از پیش نمایان سازد. در این گفتار، ویژگی‌های مهم فعل شامل زمان، شخص و شمار، جهت و صدای دستوری و وجه و بسامد آن‌ها در سی قصیده ناصر خسرو توصیف و مورد بررسی قرار می‌گیرد و رابطه هر کدام با دیدگاه شاعر تحلیل می‌شود.

### ۴. شخص

در زبان فارسی فعل شش صیغه یا ساخت دارد که بیانگر «واقع شدن امری یا اسناد دادن امری به امر دیگر» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۷۶) توسط شرکت‌کنندگان در گفتگوست. این مشارکان در فرایند گفتگو به سه گروه اول شخص (سخنگو)، دوم شخص (سخن‌گیر) و سوم شخص (غایب) در دو صورت مفرد و جمع تقسیم شده است. فراوانی افعال سی قصیده ناصر خسرو (۲۷۲۵ فعل) از نظر شاخصه شخص چنین است: دوم شخص مفرد (۱۲۸۶ فعل) ۴۷٫۱ درصد، سوم شخص مفرد (۱۲۸۳ فعل) ۴۷٫۰۸ درصد، اول شخص مفرد (۸۰ فعل) ۲٫۹۳ درصد، سوم شخص جمع (۶۸ فعل) ۲٫۵ درصد، اول شخص جمع (۷ فعل) ۰٫۲۵ درصد و دوم شخص جمع (۴ فعل) ۰٫۴ درصد.





نمودار ۱: تعداد افعال سی قصیده در شاخصه شخص و شمار

از داده‌های به دست آمده از جامعه آماری می‌توان نتیجه گرفت که فراوانی فعل دوم شخص مفرد در شعر ناصر خسرو نشان‌دهنده مخاطب محوری قصاید و معلول تبلیغی بودن آن‌هاست. شاعر درصدد است تا مخاطب شعرش را با خود همسو و همراه کرده به گرایش به کیش اسماعیلی متقاعد سازد. این مخاطب (انسان یا مردم عامه) مخاطب نوعی و عمومی شاعر است، و بیشتر ابیات در خطاب به این مخاطب سروده شده است با نگاهی دلسوزانه و کمتر با لحن تند و تیز:

تن صدفست ای پسر، به دین و به دانش      جانست پیرو در او چو لؤلؤ مکنون

(ق ۴: ص ۸)

ای شده مشغول به کار جهان      غره چرائی به جهان جهان؟

(ق ۷: ص ۱۳)

در مواردی این مخاطب مخالفان مذهبی او یعنی ظاهریان‌اند که او با لفظ «ناصبی» آنان را مورد خطاب قرار می‌دهد. در این‌گونه موارد لحن شاعر تند و خشن می‌شود و با اسم‌ها و صفات نشان‌دار بر آنان می‌تازد:

فاطمیم فاطمیم فاطمی      تا تو بدری ز غم ای ظاهری

(ق ۲۶: ص ۵۵)

او مذهب اسماعیلی را مذهب حقیقی می‌شمارد و آن را در مقابل سایر مذاهب اسلامی قرار می‌دهد و آنان را ناحق می‌شمارد و با وجود اشتراک در دین، کمترین انعطافی در مقابل آن‌ها نشان نمی‌دهد و می‌گوید:

با تو من ار چند به یک دین درم      تو ز ره من به ره دیگری

لاجرم آن روز به پیش خدای      تو عمری باشی و من حیدری

(همان)

در این خصوص در وجه دین چنین می‌آورد: «کنون می‌گوییم از جمله فرقه‌های مسلمان بر حق آن گروه‌اند که همه‌ی فرقه‌های دیگر او را مخالف‌اند و آن فرقه نیز مر همه فرقه‌ها را مخالف است.» (ناصر خسرو، ۱۳۸۴: ۲۲)

در برخی موارد شعر او خطاب به المستنصر بالله و در مدح اوست:

ای معدن فتح و نصر مستنصر      شاهان همه روبه و تو ضرغامی

(ق ۱۸: ص ۳۸)

گاهی نیز دوم شخص مفرد در شعر او خود شاعر است که عموماً این کاربرد در ابیات پایانی بعضی قصاید دیده می‌شود و در مفاخره و ستایش از خود یا شعرش سروده شده است:



ای حجت زمین خراسان تو  
خورشیدوار شهره و پیدایی  
پنهان شدی و لیک به حکمتها  
هرچند قهر کرده غوغایی  
(ق ۳: ص ۸)

در بعضی موارد نیز این مخاطب «تن» انسان است که ناصر خسرو آن را «بدترین همسایه» می‌نامد و بارها در نکوهش آنچه در قالب دوم شخص و چه سوم شخص ابیاتی را می‌آورد تا مخاطب را از مکر و غدر او آگاه کند:

ای ناکس و نغایه تن من در این جهان  
همسایه‌ای نبود کس از تو بتر مرا  
(ق ۶: ص ۱۲)

مخاطب دیگری که در بعضی اشعار ناصر خسرو مدنظر است «جهان» یا «زمانه» است که شاعر به صورت مداوم از آن شکایت و فریاد برمی‌آورد و بر نحسی آن‌ها تأکید می‌کند:

جهاننا من از تو هراسان از آنم  
که بس بدنشانی و بد هم‌نشینی  
(ق ۸: ص ۱۶)

در بسیاری از ابیات نیز از جهان و فلک به صورت سوم شخص مفرد یاد می‌شود و تقریباً در همه آن‌ها نگاه منفی شاعر و بیزاری جستن او از آن جریان دارد و کمتر قصیده‌ای را می‌توان از ناصر خسرو خواند که در آن به زشتی دنیا اشاره‌ای نشده باشد. این مفاهیم اغلب با واژه‌ها و ترکیب‌هایی چون «نهنگی بدخو»، «اژدها»، «مادری گنده پیر»، «سراب»، «خواهر آهرمن»، «زن جادو»، «گلخن بی رونق تاری» و... بیان می‌شوند. می‌توان گفت «شکایت از ناسازگاری بخت و روش فلک کج مدار و بدبینی نسبت به روزگار و مردم زمانه در اغلب آثار شعر کهن فارسی وجود دارد و این موضوع در بسیاری از موارد زاییده یا واکنش اوضاع نابسامان اجتماعی، سیاسی و جریان‌های سوء فکری است که برخی از شاعران ما با آن‌ها مواجه بوده‌اند.» (رزمجو، ۱۳۶۹: ۱۴۶) این امر در مورد ناصر خسرو به درستی صدق می‌کند. او در دوره‌ای می‌زیسته است که پیروان اسماعیلیه به بددینی متهم بوده‌اند و در این دوران خون شاعر مباح اعلام شده به خانه‌اش یورش برده و آن را غارت کردند و او ناچار به یمگان پناهنده شد. دلیل دیگر این است که «وی در آثار دیگری که از خود بر جای گذاشته و در آن‌ها به تبیین مبانی فکری خود پرداخته همچون زادالمسافرین، وجه دین، خوان الاخوان و جامع الحکمتین این بدبینی‌ها را بیان نکرده است؛ بنابراین از آنجایی که شعر میدان مناسبی برای بروز احساسات می‌باشد، باید بخش گسترده‌ای از این تعابیر را به حساب غلیان احساسات آنی و زودگذر او گذاشت.» (نظری، ۱۳۸۳: ۱۳۳)



گاهی نیز سوم شخص در مدح «دین» و «علم» به کار می‌رود که دو رکن اصلی تفکر ناصر خسرو را تشکیل می‌دهند:

زندگی و شادی اندر علم دین است، ای پسر / خویشان را گر نه مستی، مست و مجنون چون کنی؟  
(ق ۱۲: ص ۲۶)

همچنین در بعضی موارد در بیان تقابل بین «تن» و «جان» به کار می‌رود:

جان و تن تو دو گوهر آمد / یکی ز برین دگر فرودین  
(ق ۲۴: ص ۵۰)

با توجه به بسامد افعال دوم شخص و سوم شخص مفرد در قصاید ناصر خسرو به نظر می‌رسد که وی بیشتر از نقش ترغیبی (emotive function) زبان در دوم شخص مفرد و نقش ارجاعی (referential function) زبان در سوم شخص مفرد سود جست است؛ به دیگر سخن در نقش ترغیبی تلاش می‌شود سخن‌گیر به انجام فعل و پذیرش حالت و امری تن در دهد و در نقش ارجاعی موضوعی که مراد شاعر است مطابق با نگرش و ایدئولوژی وی تبیین و توصیف می‌شود.

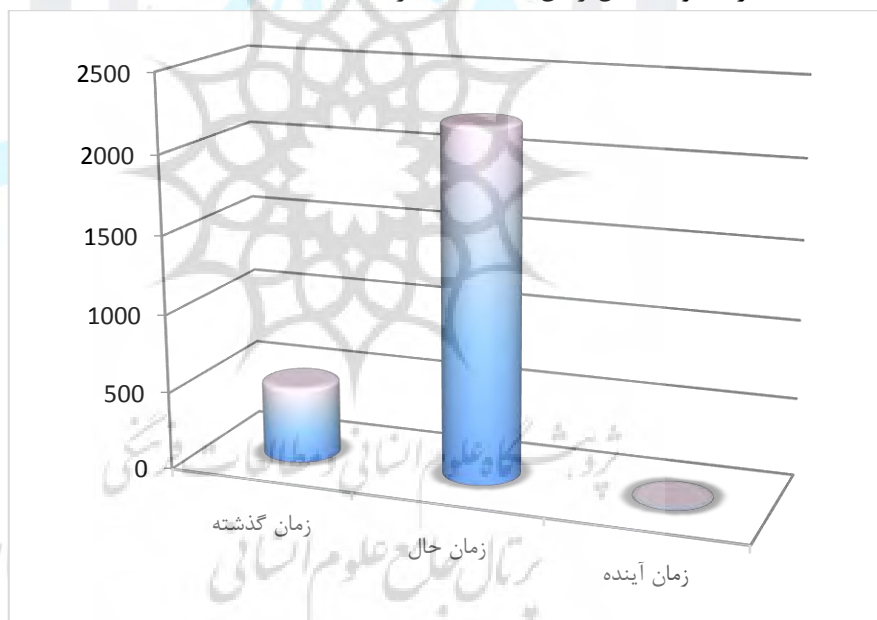
نکته‌ای که باید اضافه کرد این است که فعل اول شخص مفرد تنها ۲/۹۳٪ به کار رفته است و حاکی از این است شعر ناصر خسرو از من فردی و شخصی ناشی نشده است و کمتر بیتی در بیان احساسات فردی سروده شده است؛ زیرا مسائلی چون بیداری اذهان مردم و غلبه بر جهل عمومی و دعوت به دین مدنظر شاعر بوده است و شعر او برخلاف معاصرانش عرصه بروز احساسات فردی و عاشقانه نیست؛ اما در مواردی او احساساتش را نسبت به اهل بیت یا خلیفه فاطمی ذکر می‌کند؛ برای مثال بیت زیر در این درباره است که چگونه آشنایی با مستنصر، خلیفه فاطمی، شاعر را دگرگون کرده است:

ز دانش مرا گوش دل بود گر / ز گوشم به علمش برون شد صمم  
دل از علم او شد چو دریا مرا / چو خوردم ز دریای او یک فخم  
(ق ۳۰: ص ۶۴)

از آنچه گفته شد می‌توان به این نتیجه رسید که ناصر خسرو در شاعری و سبک بیان خود فردیت دارد. کثرت افعال مفرد از نظر شخص، از یک سو و استفاده از شعر به عنوان ابزار تعلیم و تبلیغ دینی و حرکت در مسیر خلاف هنجار شاعری در روزگار قصیده‌سرایی مدحی از سوی دیگر می‌تواند فردیت او را بیشتر نمایان کند.

## ۵. زمان

زمان دستوری یکی از ویژگی‌های کلیدی هر فعل است و در زبان فارسی، فعل در یکی از سه زمان حال (لحظه آغاز و جاری گفتگو)، گذشته (زمان پیش از آغاز گفتگو) و آینده (زمان بعد از گفتگو) تحقق می‌یابد. بیان وقوع یا عدم وقوع کار، حالت یا حرکت و... با تلفیق مؤلفه زمان نشان‌دهنده فاصله گوینده از موضوع سخن (فعل) است. در فعل زمان حال سخنور رخدادی را که خود در تجربه و درک آن مستقیم سهیم است گزارش می‌کند؛ اما در فعل زمان گذشته و آینده فاصله گوینده با رخداد از نزدیک تا دور قابل ترسیم است و به همان اندازه تجربه مشارکت و قطعیت دیدگاه سخنور بیش و کم می‌شود. بسامد کاربرد زمان افعال در جامعه آماری تحقیق در نمودار زیر ترسیم شده است. از مجموع ۲۷۲۵ فعل در سی قصیده ناصر خسرو (۲۲۲۸ فعل زمان حال) ۸۱٫۷۶ درصد، (۴۸۹ فعل زمان گذشته) ۱۷٫۹۴ درصد و (۸ فعل زمان آینده) ۰٫۳ درصد به دست آمده است.



نمودار شماره ۲: تعداد افعال سی قصیده در شاخصه زمان

عامل زمان در جمله، نشان دهنده میزان فاصله گوینده یا نویسنده با موضوع است و با تغییر فاصله گوینده با واقعیت، زاویه دید و ذهنیت وی هم تغییر می‌کند. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۱) در سی قصیده ناصر خسرو فعل مضارع اخباری (۱۴۹۵ مورد) با حدود ۵۵٪ بیشترین بسامد را دارد؛ این فراوانی نشان‌دهنده پیوند مستقیم شاعر با موضوع کلام است و قطعیت گزاره‌ها را در شعر او افزایش می‌دهد. زمان حال (لحظه گفتگو) ذهن مخاطب را با شعر بیشتر پیوند می‌دهد چراکه حاکی از اطمینان گوینده درباره خبر است.





شوم است مرغ وام مر او را مگیر صید بی‌شام خفته به که چو از وام خورده شام  
(ق ۲۷: ص ۵۷)

بعد از مضارع اخباری بیشترین بسامد مربوط به افعال امری است که حدود ۱۵٪ است. این امر برخاسته از نوع ادبی متن و تعلیمی و تبلیغی بودن اشعار ناصر خسرو است. اگرچه ابتدا به نظر می‌رسید با توجه به تعهد ناصر خسرو به سرودن شعر کوششی و تبلیغ آیینی افعال امر باید بسامد بیشتری داشته باشد، از داده‌های پژوهش این نتیجه حاصل شد که شاعر برای همراه کردن مخاطب با خود از امر غیرمستقیم و مؤدبانه بهره برده است و در بسیاری از موارد به جای آوردن امر مستقیم از فایده یا ضرر چیزی سخن گفته است تا با آوردن دلیل، خواننده را راحت‌تر مجاب کند، نظیر اشعاری که در مدح دین و علم یا ذم دنیا و جهل دارد:

در این رهگذر چند خواهی نشستن چرا برنخیزی چه ماندت بهانه؟  
(ق ۲۰: ص ۴۱)

چون سوی علم و طاعت نشتابی؟ ای رفتنی شده چه همی پایی؟  
بی علم و دین همی چه طمع داری؟ در هاون آب خیره چرا سایبی؟  
(ق ۳: ص ۷)

بعد از فعل امر بیشترین بسامد متعلق به ماضی ساده (۳۷۶ مورد) ۱۳,۷٪ است. هر چه از مسیر زمان حال به گذشته برگردیم میزان قطعیت متن کاهش می‌یابد؛ البته این امر در مورد ساخت‌های مختلف زمان گذشته نیز متفاوت است و هرکدام درجات متفاوتی از قطعیت را نشان می‌دهند، چنانکه فعل ماضی ساده بر قطعیت بیشتر و «زمان‌های گذشته نقلی، بعید و ابعاد برای گزارش زمان‌های دور و غیرواقعی و طراحی فضای تخیلی، کارایی بیشتری دارند.» (همان: ۲۹۲)

پیری و سستی آمد و کشتیم خفت و خیز زین بیشتر نساخت کسی مرگ را طعام  
من دی چو تو بوده‌ستم دانم که تو امروز از رنج محالات شنودن به چه حالی  
(ق ۲۷: ص ۵۸)  
(ق ۲۱: ص ۴۴)

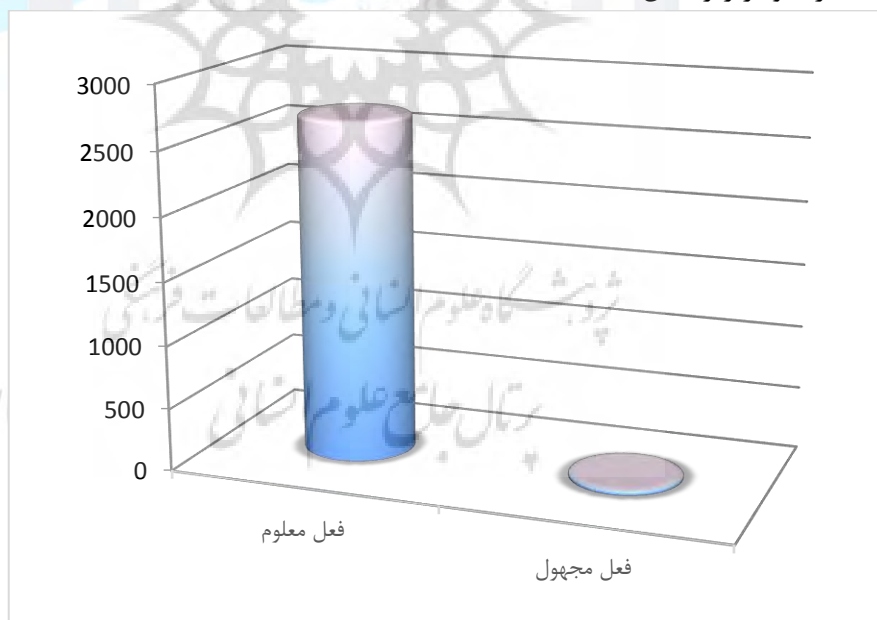
پس چنین به نظر می‌رسد که بسامد بالای افعال مضارع اخباری، امر و ماضی ساده (حدود ۸۳/۹ درصد) قطعیت متن را بالا برده‌اند و اطمینان شاعر را به اندیشه و باورهایش نشان می‌دهد و گویای واقع‌گرایی وی است. نکته دیگری که این واقع‌گرایی را تأیید می‌کند میزان بهره‌مندی ناصر خسرو از عنصر اغراق است: «بر روی هم در دیوان او عنصر



اغراق را به دشواری و بسیار اندک می‌توان یافت برخلاف معاصرانش که بیشترین سهم صور خیال ایشان را اغراق تشکیل می‌دهد... شاید تربیت دینی و نیز توجه او به مسائل فلسفی سبب شده باشد که وی از گزافه‌گویی‌های شاعران معاصرش برکنار بماند و بیش از هر چیز موضوعات شعری اوست که مجال این‌گونه خیال‌ها را نمی‌دهد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۵۹).

### ۶. جهت و صدای دستوری

جهت شاخصه‌ای دستوری در فعل و نشان دهنده پیوند میان نهاد و فعل جمله و عملی که از طریق فعل گزارش می‌شود، است. (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۳۷ - ۲۳۸) افعال در دستور زبان فارسی از نظر جهت به دو دسته معلوم و مجهول تقسیم می‌شوند. در جملات با فعل معلوم نهاد معین و وقوع فعل به او نسبت داده می‌شود و نهاد کنشگر یا کنش‌پذیر است اما در جملات با فعل مجهول نهاد کنشگر حذف و مفعول به‌عنوان نهاد کنش‌پذیر می‌آید. در سی قصیده ناصر خسرو بسامد افعال معلوم (۲۶۸۷ فعل) ۹۸٫۶ درصد و فعل مجهول (۳۸ فعل) ۱٫۴ درصد است که در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۳: تعداد افعال سی قصیده در شاخصه جهت و صدای دستوری  
از میان افعال مجهول (۳۸ فعل) نه فعل ساخت شبه‌مجهول دارند؛ یعنی از نظر ساختار دستوری جمله معلوم است و نهاد، شناسه فعل است؛ اما چون لفظ دارای نقش نهاد در جمله ذکر نشده است این جملات شبه‌مجهول قلمداد شده است مانند:



این بند نبینی که بر تو بستند؟  
 دریند همی چون کنی سواری؟  
 برانددت آنکه که ایزدت خواند  
 به عالم درون آیه العالمینی  
 (ق ۱۴: ص ۳۰)  
 (ق ۸: ص ۱۷)

پس با اندکی مسامحه می‌توان گفت تقریباً جهت همه افعال متن معلوم است و این نشانگر آن است که شاعر با اطمینان و قطعیت و از موضع قدرت به مسائل مختلف نگاه می‌کند نه از موضع ضعف و تردید. در حقیقت کنش افعال معلوم برخلاف ساخت‌های مجهول است که «با ایجاد فاصله میان راوی و مخاطب با زمان و مکان وقوع فعل، قطعیت را از میان برمی‌دارد.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۲) پس چگونگی جهت افعال ارتباط مستقیمی با صدای دستوری دارد. در واقع بخشی از بازتاب فکر و اندیشه شاعر در شعرش از راه صدای دستوری نمود می‌یابد. «صدای دستوری رابطه میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت‌کنندگان در فرایند فعلی (فاعل، مفعول و ...) است.» (همان: ۲۹۵) صدای دستوری غالب در شعر ناصرخسرو صدای فعال است. این صدای دستوری زمانی است که نهاد جملات کنشگر هستند. در صدای منفعل نهاد جمله پذیرنده عمل فعل است و حالت «پذیرنده عمل» یا «محتمل تأثیرات عمل» است (3: klaiman, 1991 نقل در فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۵) جمله‌های مجهول و شبه‌مجهول، جمله با فعل لازم (ناگذر) و جمله‌های اسنادی در زبان فارسی صدای منفعل دارند. از آنجاکه در شعر ناصرخسرو عمده جملات گذرا به مفعول، مسند یا متمم‌اند و نیز بخشی از افعال اسنادی در شعر ناصرخسرو در ساختار امری به کار رفته‌اند؛ مانند:

پرکینه مباش از همگان دایم چون خارانی و من زبانه زبون باش چو خرما  
 (ق ۲: ص ۴)

می‌توان به این نتیجه رسید که صدای دستوری غالب متن صدای فعال است. «فعال‌سازی نوعی تأثیرگذاری است و منفعل‌سازی نوعی تأثیرپذیری.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۶) بنابراین فعال‌سازی با آنچه ناصرخسرو از سرودن شعر می‌خواهد، متناسب است. اولین اولویت او از سرودن شعر تأثیرگذاری و ایجاد تغییر در مخاطب است. در واقع «شعر برای وی به‌مثابه وسیله‌ای بوده است نه هدف» (اته، ۱۳۵۱: ۱۴۵) بنابراین طبیعتاً چنین شعری که قصد آگاه کردن مخاطب را دارد با صدای منفعل و اثرپذیری همسو نیست و تعداد اندک افعال مجهول هم این مسئله را تأیید می‌کند. وجود افعال اسنادی نیز در شعر برای پنهان کردن فاعل نیست بلکه بیشتر برای وصف و حمد خداوند، مدح پیامبر (ص)، حضرت علی (ع)، مستنصر، خردمند، علم، دین و ... و ذم بیخرد، ناصبی، تن و ... است. هدف نهایی این توصیف‌ها به‌زعم شاعر تأثیرگذاری در مخاطب شعر و ایجاد آگاهی در اوست:



خرد اندر ره دین نیک دلیل است و عصاست  
(ق ۱۰: ص ۲۱)

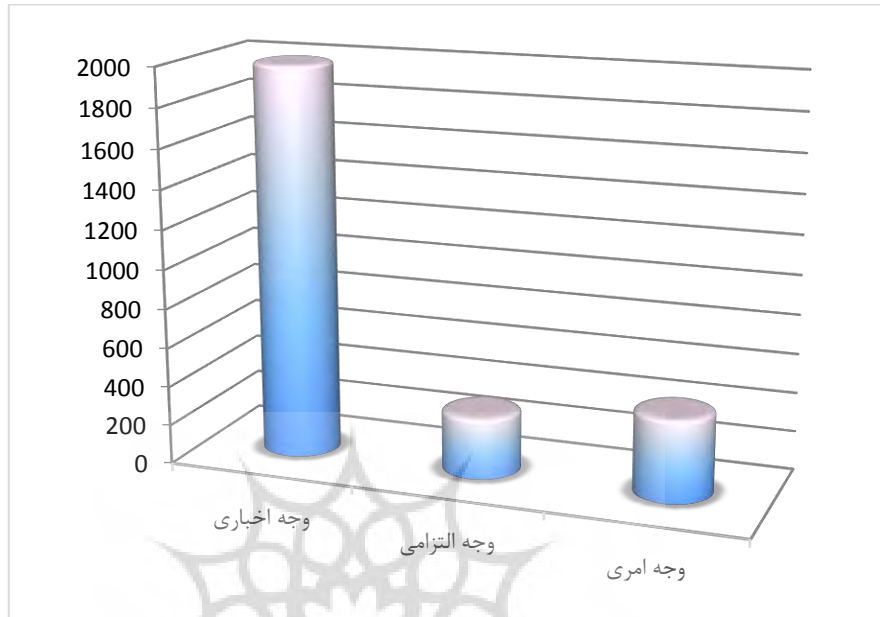
خرد اندر ره دنیا سره یارست و صلاح

## ۷. وجه فعل

وجهیت از موضوعاتی است که در مطالعات سبکی با محور زبان اهمیت بسیاری دارد. زبان شناسان بسیاری به آن پرداخته و آن را تعریف کرده‌اند. مایکل تولان در این خصوص می‌نویسد: «به‌طور کلی وجهیت اشاره دارد به امکانات زبانی موجود برای توصیف و توجیه ادعا، عقیده یا تعهدی که فرد با زبان خلق می‌کند.» (Toolan, ۱۹۸۸: ۴۶ نقل در فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۶) پالمر از زبان شناسان برجسته در این زمینه می‌گوید: «وجهیت دستوری‌شدگی نگرش‌ها و عقاید ذهنی گوینده است.» (Palmer, 1986: 16) و در واقع «ابزاری است که مردم با آن درجه تعهد و التزام و سرسپردگی خود را نسبت به حقیقت گزاره‌هایی که می‌گویند بیان می‌کنند.» (Fowler, ۱۳۱: ۱۹۸۶) وجهیت در فعل، صفت و قید نمود می‌یابد.

وجه فعل یکی از شاخصه‌های فعل است. در منابع دستور زبان فارسی با وجود توافق در تعریف، درباره تعداد وجوه افعال اختلاف نظر وجود دارد. به‌طور کلی وجه جنبه‌ای از فعل است که بر خبر، امر و لزوم وقوع یا عدم وقوع یک فعل دلالت می‌کند.

گروهی از دستورنویسان تعداد وجوه فعل را شش مورد برشمرده‌اند از جمله: مشکور (۱۳۴۶: ۹۶)، طالقانی (۱۳۵۴: ۴۵) و قریب (۱۳۷۱: ۲۱۳) و ... و گروهی دیگر به سه وجه فعل اشاره کرده‌اند از جمله: خیامپور (۱۳۴۴: ۷۲)، انوری و احمدی گیوی (۱۳۶۸: ۷۳-۷۵) و مشکوه‌الدینی (۱۳۸۱: ۶۷) و ... که امروز نظر اخیر بیشتر رواج و پذیرش دارد و نگارندگان نیز سه وجه فعل را مبنای خود در این مقاله قرار داده‌اند. (ایمانی و خسروی، ۱۳۹۵: ۱۳۷-۱۴۲) در جامعه آماری تحقیق حاضر وجه اخباری (۱۹۳۵ مورد) ۷۱ درصد، وجه امری (۴۲۱ مورد) ۱۵,۴۵ درصد و وجه التزامی (۴۷۷ مورد) ۱۳,۵۴ درصد فراوانی دارد.



نمودار ۴: تعداد افعال سی قصیده در شاخصه وجه

وجه غالب شعر ناصر خسرو وجه اخباری است. این وجه برای بیان وقوع یا عدم وقوع فعل با قطعیت و یقین است و اسناد در آن قابل صدق و کذب است. (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۸۱) بسامد این وجه «در متن داستانی یا شعر، بیانگر ارتباط نزدیک گوینده با رخدادهاست» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۷) و گویای آن است که بسیاری از مسائلی که در شعر به آن اشاره می‌شود حاصل تجربیات گوینده است. علاوه بر این وجه اخباری بیان وقوع یک مطلب با قطعیت است؛ بنابراین قطعیت و اطمینان شاعر را در مورد گفته‌هایش نشان می‌دهد و این که اعتقاد او به اندیشه‌ها و باورهایش عمیق و حقیقی است و این امر تأثیر

گذاری را در مخاطب نیز افزایش می‌دهد و این همان چیزی است که یک ایدئولوگ در سخنش بدان محتاج است. این قطعیت و صراحت سخن - که از جهت و زمان فعل نیز برداشت می‌شود - حاکی از آن است که شاعر به زیر و بم سخن و فنونش آگاه است و فرم درستی را متناسب با محتوا به کار بسته است. نکته مثبت دیگری که در خصوص وجود قطعیت در بیان معتقدات شاعر وجود دارد این است که این نگاه، تزریقی نیست یا برای پسند دیگری آورده نشده است، برخلاف مفاهیم و نگاه دیکته شده به شاعران مداح هم‌عصر او. «تعهد و التزام در شعر بر دو گونه است: تعهد و التزامی که از بالا و از طریق دولت یا حزب بر شاعری القا و دیکته می‌شود، و تعهد و التزامی که شاعر آن را آزادانه برمی‌گزیند. تعهد شاعرانی چون فردوسی و منوچهری و فرخی و عنصری و انوری و خلاصه تمام شاعران درباری از نوع اول و تعهد کسانی چون فردوسی و ناصر خسرو از گونه دوم آن است. مکتبی که ناصر خسرو در پی ابلاغ و ترویج آن است، «برگزیده» او و «خواستۀ دل» او در درست‌ترین معنی این کلمه است.» (درگاهی، ۱۳۷۸:



۱۰۳) او همان چیزی را می‌گوید که بدان باور دارد و چنانکه از سرگذشت او نیز پیداست حاضر شد سختی‌ها و تهمت‌های بسیاری را به جان بخرد اما از عقاید خودش دست نکشد:

هر که بر تنزیل بی‌تأویل رفت  
او به چشم راست در دین اعور است  
(ق ۱۶: ص ۳۴)

از آغاز بودش به داد آورید  
خدای این جهان را پدید از عدم  
(ق ۳۰: ص ۶۳)

وجه امری، افعالی را که بار معنایی فرمان، خواهش، خواست و تمنا دارد، در برمی‌گیرد. این وجه با جایگاه گوینده از نظر موضع قدرت در برابر مخاطب ارتباط دارد. وجه امری درصد اندکی را در شعر ناصر خسرو به خود اختصاص داده است:

خدای را بشناس و سپاس او بگزار  
که جز بر این دو نخواهیم بود ما مأخوذ  
(ق ۱۵: ص ۳۲)

شعر ناصر خسرو شعری تعلیمی و تبلیغی است و نوع تعلیمی مشتمل بر بایدها و نبایدها و افعال امر و نهی بسیار است؛ اما ناصر خسرو حد را در بهره‌گیری از این وجه رعایت کرده و از لحن آمرانه مطلق فاصله گرفته است. به نظر می‌رسد او این شگرد را از آن‌رو در سخنش پیش گرفته است تا مخاطب را منزجر و خسته نکند و رویکردی تدافعی در او برنینگیزد. از طرف دیگر او برای تبلیغ و ترویج اندیشه‌هایش از شگرد پرسش بهره گرفته است؛ پرسشی که در پس آن معنای ضمنی امر مؤدبانه و ارشادی وجود دارد:

از بد کرده پشیمان شو و طاعت کن  
خیره بر عمر گذشته چه کنی شیون؟  
(ق ۱۷: ص ۳۷)

خمرِ مثل‌های کتاب خدای  
گرت بجایست خرد، چون خوری؟  
خمر حرام است، بسوزد خدای  
آن دل و جان را که بدو پروری  
(ق ۲۶: ص ۵۵)

وجه التزامی بر امور احتمالی از قبیل خواست، آرزو، میل، امید، دعا، شرط، شک، لزوم و مانند آن‌ها دلالت می‌کند که بخش اندکی از افعال جامعه آماری دارای این وجه است. بیشترین کاربرد وجه التزامی در شعر ناصر خسرو بر شرط دلالت می‌کند و بخش عمده‌ای از آن افعال جملات پیرو و وابسته در جملات مرکب شرطی است. این جملات در شعر ناصر خسرو بسیارند که نگاه استدلالی و ذهن منطقی او را نشان می‌دهند:



اندر رضای خویش تو یارب به دو جهان  
از خاندان حق مکن زاستر مرا  
(ق ۶: ص ۱۳)  
گر خداوند قضا کرد گنه بر سر تو  
پس گناه تو به قول تو خداوند تراست  
(ق ۱۰: ص ۲۱)

### ۸. نتیجه گیری

بررسی لایه نحوی می‌تواند نحوه بیان محتوا و فکر حاکم در متن را نمایان سازد. تحلیل بسامدی انواع فعل یکی از شاخه‌های لایه زبانی سبک است که در این گفتار در قصاید ناصر خسرو بررسی شد و نتایج زیر را به دنبال داشت. از نظر شمار و شخص، ناصر خسرو بیشتر از افعال مفرد استفاده کرده است که می‌تواند برآیند فردیت وی باشد. از نظر شخص افعال دوم شخص مفرد و با فاصله اندکی سوم شخص مفرد را بیشتر به کار برده است. فراوانی دوم شخص معلول تبلیغی بودن اشعار ناصر خسرو است. از سوم شخص نیز برای توصیف جهان، دین و علم، تن و جان و... و مقدمه چینی برای تبلیغ و تعلیم استفاده شده است. از نظر زمان افعال، فراوانی زمان مضارع اخباری نشان‌دهنده پیوند مستقیم شاعر با موضوع کلام است که قطعیت را در شعر او افزایش می‌دهد و حاکی از اطمینان گوینده درباره خبر است. کاربرد افعال امری نتیجه تعلیمی - تبلیغی بودن متن است. از میان انواع افعال ماضی بیشترین بسامد متعلق به ماضی ساده است که در میان افعال گذشته بیشترین قطعیت را نشان می‌دهد. بسامد بالای این افعال و نیز مضارع اخباری واقع‌گرایی سخنور را نشان می‌دهد. تقریباً جهت تمام افعال متن معلوم است و نشان می‌دهد شاعر از موضع قدرت به مسائل مختلف نگاه می‌کند. صدای دستوری غالب در متن، صدای فعال است بدین معنا که نهاد جملات عمدتاً کنشگرند. این فعال‌سازی نوعی تأثیرگذاری است و با آنچه هدف شاعر از سرودن شعر بوده متناسب است. وجه غالب شعر ناصر خسرو، وجه اخباری است که نشان‌دهنده ارتباط نزدیک گوینده با رخدادهاست و گویای آن است که بیشتر مسائل مطرح شده در شعر حاصل تجربیات گوینده است. علاوه بر این، این وجه بیان رخداد یک مطلب با قطعیت است؛ در نتیجه فراوانی آن در متن قطعیت متن را افزایش می‌دهد؛ این امر را مؤلفه جهت و زمان افعال نیز تأیید می‌کند.

### منابع

- ۱) اته، هرمان. (۱۳۵۱). تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه و حواشی رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲) امینی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «آستانه انتخاب، مفهومی ضروری در بررسی تحولات ادبی و سبک‌شناسی»، شعرپژوهی، شماره ۲، ص ۴۶-۲۱.
- ۳) ایمانی، علی و خدیجه خسروی. (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای شش اثر دستور زبان فارسی. تهران: سخن.
- ۴) درگاهی، محمود. (۱۳۷۸). سرود بیداری، تهران: امیرکبیر.



- (۵) رزمجو، حسین. (۱۳۶۹). شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی، جلد دو، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- (۶) زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). با کاروان حله، تهران: انتشارات علمی، چاپ یازدهم.
- (۷) زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۴). سیری در شعر فارسی. تهران: سخن.
- (۸) شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم.
- (۹) صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران، جلد دو، تهران: انتشارات فردوس با همکاری نشر ندا، چاپ دهم.
- (۱۰) طباطبایی، علاءالدین. (۱۳۹۵). فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- (۱۱) فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم.
- (۱۲) فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
- (۱۳) ناصر خسرو، ابو معین. (۱۳۶۵). دیوان، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- (۱۴) ..... (۱۳۸۴). وجه دین، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
- (۱۵) نظری، جلیل. (۱۳۸۳). ناصر خسرو و اندیشه او، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۱۶ Fowler, Roger, "Linguistic criticism", Oxford, Oxford University Press.
- ۱۷- Klaiman A. H., "Grammatical Voice ", ۱۹۹۱, Cambridge Studies in Linguistics, Cambridge University Press.
- ۱۸ Palmer, F. R., "Mood and Modality", Cambridge, Cambridge University Press.
- ۱۹- Toolan, Michael, "Language in literature: An introduction to Stylistics", ۱۹۸۸, London, Arnold.
- ۲۰- Tufte, Virginia, "Grammar As Style", ۱۹۷۱, USA: Rinehart and Winston, Inc.





*Analysis of reflection of Naser Khosrow's perspective and intellectual style in application of Verb*

Fatemeh sheikhbaqer mohajer<sup>۱</sup>

DR. Ali Sabaqi<sup>۲</sup>

**Abstract**

Naser Khosrow is one of the poets who have always been regarded by fans of Persian classical poetry due to his special viewpoint and different ideology. The authors believe that familiarity with Naser Khosrow's attitude and understanding world of his poetry is possible through linguistic analysis of his works; therefore, methodological-grammatical analysis of verbs in the first thirtieth odes of Naser Khosrow s book of poems is addressed in this research. The questions that this article seeks to answer are: : What are the grammatical features of verbs used in Naser Khosrow's odes? : What is the relationship between frequency of features of verbs in Naser Khosrow's odes and his perspective and style and what the repetition of these features indicates? To answer these questions, the verbs of the thirtieth odes of the Naser Khosrow's book of poem (divan) were extracted inductively and grammatical features of the verbs were described. Then, the obtained data were examined and analyzed in a descriptive-analytical way. The result of present research indicates that the most commonly used person in the verbs inflection of odes is second person singular which arises from propaganda nature of Naser Khosrow's poem. In terms of time, the most frequent category of verbs belongs to simple present tense that shows the direct link of the poet to the subject of the word. The dominant mood of the verbs in the odes is indicative with active imperative voice which comes from the propaganda and committed nature of Naser Khosrow s poem.

**Key Words:** Naser Khosrow s odes, Syntactic Stylistics, linguistic analysis, syntax, verb.

۱ . M.A. in Persian Language and Literature in Arak University

۲. Associate Professor in Persian language and literature in Arak University